نقش احیای منظر شهری بافت‌های تاریخی در گذار از فرسودگی کالبدی به پویایی اجتماعی

زهرا نیلی پور

کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان(خوراسگان) znili57@gmail.com

خلاصه

بافت‌های تاریخی شهرها از ثروت‌های فرهنگی و تاریخی مهمی برخوردار هستند. این بافت‌ها اغلب با چالش‌های جدی فرسودگی کالبدی و افول اجتماعی-اقتصادی مواجه هستند. پیامد این روند، تخریب منظر شهری، فرهنگی و از بین رفتن خاطرات جمعی است. احیای این فضاها و ساختارها، همراه با تلفیق عملکردهای تاریخی و مدرن، می‌تواند نقشی حیاتی در باززنده‌سازی و پویایی آن‌ها ایفا کند. تبیین منظر در این بافت‌ها به معنای حفظ و حراست از تاریخ، فرهنگ و هویت مردم است. احیای منظر شهری با عبور از نگاه صرفاً کالبدی و با بهره‌گیری از مفاهیمی چون تاب‌آوری شهری و اجتماعی، اقتصاد خلاق و منظر فرهنگی، ارتقای محیط‌زیست‌پذیر و... گذار به پویایی اجتماعی را ممکن می‌سازد. احیای منظر، با تبدیل فضاهای رهاشده به مکان‌های فعال، محور اصلی تبدیل کالبد مرده به جامعه زنده است. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک معتبر، استدلال می‌شود که احیای منظر شهری، از طریق ارتقای خوانایی، خاطره‌انگیزی، تنوع فعالیتی و انعطاف‌پذیری فضاهای عمومی، ارتقای حس تعلق و ... نه تنها کالبد را ترمیم می‌کند، بلکه با جذب سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی، حیات مداوم را به بافت‌های تاریخی بازمی‌گرداند.

کلمات کلیدی: منظر شهری، احیای منظر شهری، پویایی اجتماعی، بافت تاریخی، فرسودگی کالبدی

۱.مقدمه

بافت‌های تاریخی شهری، به مثابه گنجینه‌های زنده و پویای حافظه جمعی، فرهنگ و هویت یک جامعه، در عصر شتابان جهانی شدن و توسعه شهری، با چالشی دوگانه و پیچیده مواجه شده‌اند. از یک سو، فشارهای نوسازی، فرسودگی تدریجی کالبد فیزیکی، ناکارآمدی زیرساخت‌ها و عدم انطباق با استانداردهای زندگی مدرن، موجودیت این بافت‌ها را به مخاطره انداخته است. از سوی دیگر، این فرسودگی کالبدی، به صورت زنجیره‌وار به افول و زوال ساختارهای اجتماعی- اقتصادی منجر شده است؛ پدیده‌هایی همچون مهاجرت ساکنان اصیل و با اصالت، کاهش تعاملات و پیوندهای اجتماعی، افت فعالیت‌های اقتصادی محلی و در نهایت، از دست رفتن تدریجی حیات و روح در این محله‌ها شده است[1].

رویکردهای مرسوم نوسازی که عمدتاً بر جنبه‌های فیزیکی متمرکز بودند، در بازگرداندن زندگی به این بافت‌ها ناکام مانده‌اند[2]. این رویکردها نه تنها نتوانسته‌اند پویایی اجتماعی را به بافت‌های تاریخی بازگردانند، بلکه در مواردی به تشدید مسائل اجتماعی و اقتصادی نیز انجامیده‌اند. در سال‌های اخیر، پارادایم‌های مداخله در بافت‌های تاریخی از رویکرد صرفاً حفاظتی (مرمت بنا) به سمت رویکردهای جامع و مشارکتی بازآفرینی شهری تغییر جهت داده‌اند. در این میان، منظر شهری به عنوان پلی میان کالبد و حیات اجتماعی، نقش محوری پیدا کرده است. منظر، که شامل کلیت ادراکی ما از محیط (عناصر طبیعی، ساخت دست بشر، کاربری‌ها، مردم و فعالیت‌هایشان) است می‌تواند به سرعت کیفیت زیست‌پذیری یک محیط را تغییر دهد و فرآیند گذار از انحطاط کالبدی به شکوفایی اجتماعی را تسریع بخشد[3].

مفهوم احیای منظر شهری به عنوان چارچوبی یکپارچه‌نگر که بر ارتباط پویای بین کالبد، فعالیت‌های اجتماعی و ابعاد فرهنگی تأکید دارد، با درنظرگیری ابعاد چندگانه منظر شهری، راهبردهایی برای خروج از بن بست فعلی ارائه می‌دهد. منظر شهری در اینجا نه به عنوان یک پدیده صرفاً بصری، بلکه به عنوان یک سیستم پویا و چندلایه تعریف می‌شود که همزمان ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد[4].

هدف این مقاله، تبیین چگونگی ایفای نقش احیای منظر شهری به عنوان نیروی محرک اصلی در این دگرگونی، از طریق بازسازی فضاهای عمومی و تقویت پیوندهای اجتماعی در بافتهای تاریخی است. نادیده گرفتن منظر به معنای نادیده گرفتن کیفیت زیست روزمره ساکنان است و این امر، پایداری هرگونه مداخله حفاظتی را زیر سؤال میبرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. منظر شهری

منظر شهری فراتر از زیبایی‌شناسی بصری صرف است؛ این مفهوم دربرگیرنده حس و معناست. منظر، فضا را به مکان تبدیل می‌کند؛ جایی که واجد معنا، خاطره و ارزش‌های انسانی است. منظر، شامل عناصر سخت (بنا، خیابان)، عناصر نرم (فعالیت‌ها، مردم) و عناصر زنده (پوشش گیاهی، آب) است[5].

۲-۲. احیای منظر شهری

در بافت‌های تاریخی، احیای منظر به معنای بازگرداندن اصالت مکانی و تقویت حافظه جمعی است. عناصر منظر مانند نمای ساختمان‌ها، کفسازی معابر، مبلمان شهری و پوشش گیاهی، همه حامل پیام‌هایی هستند که هویت محله را بازگو می‌کنند. احیای این عناصر، به ویژه فضاهای عمومی تاریخی (مانند آبانبارها، میادین و بازارهای سرپوشیده) به شهروندان این امکان را می‌دهد که دوباره با گذشته خود ارتباط برقرار کرده و حس تعلق به مکان را تجربه کنند. این بازسازی هویتی، پایدارسازی اجتماعی را تسهیل می‌کند[6].

۲-۳.پویایی اجتماعی

به مطالعه و تحلیل تغییرات، تحولات و الگوهای تعامل در سیستم‌ها و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد[7]. این حوزه بر چگونگی شکل‌گیری، تداوم و دگرگونی رفتارهای جمعی، نهادها، هنجارها و روابط اجتماعی در طول زمان تمرکز دارد. پویایی اجتماعی به دنبال درک مکانیسم‌های زیربنایی تغییر اجتماعی است که می‌تواند ناشی از عوامل داخلی یا عوامل خارجی باشد[8].

۲-۴. بافت تاریخی

بافت‌های تاریخی به عنوان هسته اولیه شهرها، تاریخ مستند شهری، قلب تپنده شهرها، نماد فرهنگ شهری، نماد فرهنگ ملی و اسطوره‌های قومی هستند[9]. بافت تاریخی را می‌توان هسته اولیه شهر دانست. قلعه، ارگ، یا کهن دژ و آنچه را به عنوان هسته اولیه شهر امروزی که در زمان‌های پیشین(در ایران قبل از قاجاریه) ساخته شده می‌توان بافت تاریخی نامید. بافت‌های تاریخی، بافت‌هایی است که به‌رغم فرسودگی، در گستره‌شان بناها، مجموعه‌ها، تأسیسات و تجهیزات شهری با ارزش و یا ترکیبی از آنها وجود دارد[10]. در ایران، بافت تاریخی، آن بخش از بافت شهرها را شامل می‌شود که تا پیش از آغاز قرن حاضر، یعنی شروع شهرنشینی جدید در ایران شکل گرفته و در زمان حاضر در مرکز یا در محدوده بلافصل

شهرها جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و سطح نسبتا گسترده و عملکرد نیرومند آنها در مقیاس منطقه‌ای و ملی بر اهمیت آنها افزوده است[11].

۲-۵. فرسودگی کالبدی

به تخریب فیزیکی بناها، عدم سازگاری زیرساخت‌ها (مانند شبکه‌های آب، فاضلاب و برق) و ناکارآمدی شبکه‌های دسترسی و خدمات شهری اشاره دارد[12]. این بخش معمولاً با شاخص‌هایی مانند تراکم ساخت نامناسب، سطح زیربنای فرسوده و کمبود فضاهای باز، تعریف می‌شود. فرسودگی کالبدی صرفاً یک نشانه است؛ بیماری اصلی، کاهش "قابلیت تولید حیات" در بافت تاریخی است[13].

۳. احیای منظر شهری به مثابه راهبردی یکپارچه

امروزه، گسترش شهرنشینی و تغییرات سریع شهرها، حفاظت از مکان‌های میراث فرهنگی را در مرکز توجهات برنامه‌ریزی شهری قرار داده است. شهرها موجودات زنده‌ای هستند که در طول زمان رشد می‌کنند، تغییر می‌یابند و حامل لایه‌های متعدد تاریخ، فرهنگ و خاطره هستند. بافت‌های تاریخی قلب تپنده این موجودیت به شمار می‌روند و نمایانگر هویت، تداوم و اصالت جامعه شهری هستند[14]. با این حال، در عصر جهانی شدن و توسعه شتابان شهری، بسیاری از این بافت‌ها با بحران‌های عمیقی روبرو شده‌اند. فرسودگی کالبدی، ناکارآمدی زیرساخت‌ها، مهاجرت ساکنان اصیل و جایگزینی آنان با گروه‌های کم‌درآمد، افول فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت، کاهش شدید پویایی و سرزندگی اجتماعی، از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها محسوب می‌شوند[15].

در دهه‌های گذشته، رویکردهای متعارف به نوسازی و بهسازی شهری، عمدتاً معطوف به مداخلات کالبدی و فیزیکی بود. پروژه‌هایی مانند نوسازی بافت‌های فرسوده، اگرچه گاه به بهبود شاخص‌های کالبدی می‌انجامیدند، اما اغلب به دلیل نادیده گرفتن ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، منجر به تخریب شبکه‌های اجتماعی موجود، کوچاندن اجباری ساکنان و از دست رفتن حس مکان می‌شدند. این گونه مداخلات، بافت تاریخی را به یک پوسته زیبا اما بی‌روح تبدیل می‌کرد که فاقد توانایی جذب زندگی روزمره بود[16].

حفاظت صرفاً کالبدی بافت‌های تاریخی دارای چالش‌های متعدد از جمله تجزیه و گسست بافت‌های تاریخی است؛ برای اینکه توجه به عمارت‌های شاخص و غفلت از بافت اطراف آنها، منجر به ایجاد جزیره‌های تاریخی منفک در میان توسعه‌های جدید می‌شود[17]. همچنین باعث نادیده گرفتن ارزش‌های ناملموس در بافت‌های تاریخی است و این رویکرد قادر به حفظ خاطرات، آیین‌ها و حیات اجتماعی مرتبط با مکان نیست. از دیگر چالش‌های این نوع از حفاظت، تعارض با توسعه شهری است. وقتی حفاظت تنها به کالبد محدود شود، در برابر نیازهای توسعه شهری مقاومت می‌کند و به مانعی تبدیل می‌شود، نه عاملی تسهیل‌گر[18].

سیر تحول اندیشه حفاظت شهری، نشان از گذاری تدریجی از تمرکز صرف بر بناهای منفرد و ممتاز به سمت حفاظت یکپارچه و کل‌نگر دارد. منشور ونیز (۱۹۶۴) اگرچه گام مهمی در حفاظت از آثار تاریخی بود، اما عمدتاً بر جنبه‌های مادی و باستانی تأکید داشت. با گذر زمان، اسنادی چون منشور بورا (۱۹۷۹) و اعلامیه سوفیا (۱۹۹۶) بر اهمیت بافت، محیط و ابعاد اجتماعی- اقتصادی حفاظت تأکید بیشتری کردند.

در برابر این نگرش تقلیل‌گرا، رویکرد منظر شهری تاریخی به عنوان یک پارادایم نوین در عرصه حفاظت و توسعه شهری ظهور یافته است. ایده منظر شهری تاریخی اوج این تحول فکری است. این رویکرد، شهر را به عنوان یک پالیمسست (نسخه

خطی که نوشته قبلی را پاک کرده و بر روی آن می‌نویسند) لایه‌ای می‌بیند که هر دوره تاریخی، لایه جدیدی از معنا و کالبد بر آن افزوده است. بنابراین، حفاظت به معنای انجماد شهر در یک مقطع زمانی خاص نیست، بلکه به معنای مدیریت هوشمندانه تغییرات به منظور حفظ یکپارچگی و اصالت ارزش‌های میراثی در بستر توسعه معاصر است[19]. این رویکرد که توسط یونسکو در سال ۲۰۱۱ ترویج شد، بر درک یکپارچه و چندلایه از شهر تأکید دارد. منظر شهری تاریخی، صرفاً به مجموعه‌ای از بناهای تاریخی محدود نمی‌شود، بلکه کلیت شهر و محیط طبیعی آن، ترکیب اجتماعی و فرهنگی ساکنان، ارزش‌های معنایی و اقتصادی، و همچنین فرآیندهای تحول آن را دربرمی‌گیرد[18].

از منظر این رویکرد، پویایی اجتماعی به عنوان عنصری حیاتی برای تداوم حیات بافت تاریخی قلمداد می‌شود. یک بافت زنده، بافتی است که در آن تعاملات اجتماعی، مراودات اقتصادی و فعالیت‌های فرهنگی به طور مستمر در جریان است و ساکنانش خود را در آن صاحب هویت و نقش می‌دانند[20].

این رویکرد به دلیل سه جنبه شاخص خود قابل تعمیم در حوزه حفاظت از میراث است: نخست اینکه کل‌نگر است به این معنی که وجوه مختلف منظر به محیط طبیعی و انسان ساخت و ساختار اجتماعی آن می‌پردازد. دوم اینکه به معنای مقوله‌ای بین‌رشته‌ای یکپارچه کننده است. منظر عرصه‌ای است که دیدگاه‌های رشته‌های مختلف مرتبط با شهر را با توجه به رویکردهای علوم طبیعی و انسانی و نیز ابعاد فیزیکی و ناملموس میراث ادغام می‌کند. سوم اینکه مبتنی بر ارزش است. به این معنا که منظر بر تعامل و مشارکت با جوامع تاکید دارد تا با درک ارزش‌ها و منزلت فرهنگی بتواند از گفتمانی بین فرهنگی میان ذی‌نفعان مختلف در باب تصمیماتی درباره برخورداری دارایی خاص از منابع حفاظت حمایت کند. منظر شهری تاریخی، پاسخی است برای مدیریت شهرهای تاریخی که تحت شکل‌های جدیدی از فشارهای ناشی از توسعه قرار دارند، با این هدف اصلی که معنا و کیفیت زندگی شهری حفظ شود[21].

۴. ساز و کارهای احیای منظر شهری در گذار به پویایی اجتماعی

احیای منظر شهری در بافت‌های تاریخی، دیگر یک فعالیت تزئینی یا صرفاً کالبدی نیست، بلکه یک راهبرد پیچیده و چندلایه برای ساختن جامعه‌ای تاب‌آور، خلاق و عادلانه است. موفقیت این گذار، در گرو به کارگیری رویکردی یکپارچه است که ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... را همزمان پوشش دهد. احیای منظر شهری از طریق مجموعه‌ای از ساز و کارهای به‌هم‌پیوسته و تقویت‌کننده، بستر لازم برای گذار به پویایی اجتماعی را فراهم می‌آورد.

۴-۱. منظر شهری تاریخی و خوانش شهری

شهر تاریخی ماحصل تعامل انسان و طبیعت در گذر زمان است که به شیوه‌های پایدار توانسته است دستاوردهای ارزشمندی را به نمایش بگذارد. ازاین‌رو می‌توان منظر شهری تاریخی را یکی از غنی‌ترین نمونه‌های منظر فرهنگی به‌شمار آورد. منظر شهری تاریخی نشانه‌هایی جذاب برای خوانش شهر در دوره‌های مختلف تاریخی در اختیار قرار می‌دهد[22]. ماهیت اصلی در تعریف منظر فرهنگی توجه به لایه‌های تاریخی و تکامل آن در گذر زمان و آثار باقی‌مانده از سوی نسل‌های مختلف در پاسخ به چالش‌های پدید آمده از سوی محیط طبیعی است. منظر شهری می‌تواند به‌عنوان قلمرو انسان‌ساخت که توسط فرآیندهای در جریان، هویت می‌یابد، در نظر گرفته شود[23].

بر این اساس منظر شهری تاریخی را می‌توان با پایه رابطه فرهنگ و طبیعت مبتنی بر سه مؤلفه میزان مداخله انسان، زمان و بنیان‌های ملموس و ناملموس دانست. منظر شهری تاریخی، منطقه شهری معینی است که در نتیجه لایه‌بندی تاریخی از ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی تشکیل شده است و شامل محدوده‌ای فراتر از مفهوم مرکز تاریخی و مجموعه‌ها

و زمینه گسترده‌تری از شهر و محیط جغرافیایی آن است. این زمینه وسیع‌تر شامل ویژگی‌های توپوگرافی شهر، ریخت‌شناسی، ویژگی‌های طبیعی، محیط مصنوع (اعم از تاریخی و معاصر)، زیرساخت‌های آن، فضای باز و باغ‌ها، الگوهای استفاده از زمین و سازمان فضایی، ادراکات و روابط بصری، و همچنین دیگر عناصر ساختارهای شهر است. همچنین شیوه‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، فرآیندهای اقتصادی و ابعاد ناملموس را نیز دربرمی‌گیرد[24]. منظر شهری تنها مجموعه ساختمان‌ها نیست، بلکه تصویر ذهنی است که استفاده‌کنندگان از شهر در ذهن خود می‌سازند. این تصویر ذهنی از طریق تعامل پیوسته کاربران با محیط شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد. لذا احیای موفق منظر شهری مستلزم خوانش و بازآفرینی لایه‌های فرهنگی نهفته در بافت‌های تاریخی است .این نگاه، منظر را از یک شیء منفعل به یک فرآیند فعال تبدیل می‌کند[25].

بنابراین می‌توان گفت منظر فرهنگی در برگیرنده کلیه عناصر ملموس و ناملموس است که هویت یک مکان را شکل می‌دهند. خوانش موفق منظر فرهنگی نیازمند درک عمیق از این لایه‌های متعدد و چگونگی تعامل آنها با یکدیگر است. این درک عمیق به برنامه‌ریزان و طراحان شهری امکان می‌دهد تا مداخلاتی هماهنگ با روح مکان انجام دهند.

۲-۴. منظر شهری تاریخی و تاب‌آوری شهری و اجتماعی

مفهوم تاب‌آوری در احیای منظر شهری، بر ظرفیت سیستم‌های شهری برای تطبیق و ادامه کارکرد در مواجهه با شوک‌ها تأکید دارد. یک پروژه احیای تاب‌آور، به ایجاد فضاهایی می‌پردازد که از نظر اجتماعی منسجم و از نظر اقتصادی متنوع هستند. تاب‌آوری شهری در بافت‌های تاریخی تنها به معنای مقاومت در برابر بلایای طبیعی نیست، بلکه شامل توانایی سیستم در مقابله با شوک‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌شود. بافت‌های تاریخی تاب‌آور، بافت‌هایی هستند که می‌توانند در برابر تغییرات، انعطاف نشان داده و بدون از دست دادن هویت اصلی خود، با شرایط جدید به روز شوند. این انعطاف‌پذیری از طریق تنوع کاربری‌ها، انعطاف‌پذیری کالبدی، وجود شبکه‌های اجتماعی قوی و اقتصاد محلی متنوع حاصل می‌شود. پویایی اجتماعی در چنین بافت‌هایی نتیجه مستقیم همین تاب‌آوری است، چرا که ساکنان احساس امنیت و تعلق بیشتری کرده و تمایل بیشتری برای مشارکت در حیات اجتماعی محله از خود نشان می‌دهند[26].

در رویکردهای معاصر، احیای منظر شهری را با تاب‌آوری اکولوژیک پیوند می‌زنند. معرفی زیرساخت‌های سبز (مانند باغ‌های بارانی، پوشش‌های گیاهی بومی، حیاط‌های نفوذپذیر) در بافت تاریخی، علاوه بر حل مسائل زیست‌محیطی (مانند سیلاب‌های شهری و جزایر حرارتی)، فضاهایی برای تجمع غیررسمی، آموزش محیط‌زیست و تقویت سلامت روانی ساکنان ایجاد می‌کند. ارتقای همزمان کیفیت محیطی و اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی جامعه محلی را در برابر بحران‌ها افزایش می‌دهد[27].

۳-۴. منظر شهری تاریخی و ارتقای محیط زیست‌پذیر

منظر شهری به عنوان بخشی از سیمای شهر، نقش کلیدی را در ارتقای کیفیت زندگی شهری ایفا می‌کند و در صورت برخورداری از کیفیت مطلوب، می‌تواند سهم خود را در شکل‌دهی به پایداری اجتماعی و همبستگی‌های شهری به خوبی ایفا نماید. امروزه عدم رعایت شاخص‌های کیفی در اینگونه فضاها لزوم توجه بیش از پیش در این زمینه را به وضوح مشخص می‌سازد[28].

اولین و مشهودترین تأثیر، بهبود کیفیت فیزیکی محیط است. احیای منظر شهری فراتر از مرمت بناهای شاخص است؛ این اقدام شامل بهسازی شبکه‌های معابر، بهبود کیفیت پیاده‌روها و کف‌سازی (متناسب با اصالت تاریخی)، نصب مبلمان شهری مناسب (مانند نیمکت‌ها، چراغ‌های روشنایی و سطل‌های زباله،) و مدیریت بصری نماهای ساختمان‌هاست[29].

همچنین احیای منظر با استانداردسازی نورپردازی در شب و بهبود وضعیت معابر برای تردد پیاده، دوچرخه و افراد کم توان، ضمن ارتقای کیفیت کالبدی، امنیت فیزیکی و روانی محله را افزایش می‌دهد. ایمنی بصری، که ناشی از حذف اغتشاشات و شفافیت فضا است، یک عامل مهم در کاهش احساس ناامنی است. ساماندهی تابلوهای نامنظم یا سیم‌کشی‌های روکار، سازماندهی ورودی‌ها و استفاده از پوشش گیاهی سازگار با اقلیم و هویت محله، محیطی دلپذیر ایجاد می‌کند که انگیزه حضور و فعالیت را در ساکنان و بازدیدکنندگان افزایش می‌دهد. این بهبود حسی، اولین گام در تغییر ادراک عمومی نسبت به محله است[30].

۴-۴. منظر شهری تاریخی و بازسازی سرمایه اجتماعی و تقویت تعاملات اجتماعی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای احیای منظر شهری، تأثیر آن بر زندگی اجتماعی است. منظر شهری به صورت مستقیم بر کیفیت فضاهای عمومی که صحنه‌های اجرای زندگی اجتماعی هستند، تأثیر می‌گذارد. فضاهای عمومی به فضاهایی اطلاق می‌شود که بتوانند در ساعات مختلف روز و فصول مختلف سال، میزبان فعالیت‌های متنوعی باشند. این فضاها ممکن است در طول روز میزبان بازارهای محلی، در عصر میزبان گردهمایی‌های غیررسمی و در شب میزبان رویدادهای فرهنگی باشند. این تنوع فعالیتی نه تنها توجیه اقتصادی برای حفظ و نگهداری فضاها ایجاد می‌کند، بلکه امکان تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی با یکدیگر را فراهم می‌سازد. لذا محتوای هر فضای عمومی را کنشگران آن فضا می‌سازند که به گروه‌ها و جمع‌های مختلفی تعلق و ذهنیت متفاوتی از موقعیت‌ها و فضاها دارند. با این همه، فضای عمومی به صورت بلاواسطه در ذهن معنایابی نمی‌شود[28].

به عبارتی دیگر اگر شهر به مانند یک موجود زنده فرض گردد، برای ادامه زندگی به سرزندگی و نشاط نیازمند است. شهرها با حضور مردم و فضاهای شهری معنا پیدا می‌کنند. حضور گسترده و مطلوب نیازمند ارتقاء سرزندگی در منظر شهری است. بنابراین فضاهای عمومی که قابلیت میزبانی از فعالیت‌های متنوع را دارند، به طور قابل توجهی در ایجاد پویایی اجتماعی مؤثرند. این فضاها بستر تعاملات غیررسمی و تقویت سرمایه اجتماعی هستند[31].

احیای میادین، حیاط‌های جمعی یا گذرهای تاریخی به عنوان فضاهای سوم فرصت‌هایی برای ملاقات‌های تصادفی، گفتگو و تبادل نظر فراهم می‌آورد. هنگامی که معابر، عریض و قابل نشیمن می‌شوند، مردم زمان بیشتری را در بیرون از منازل سپری می‌کنند. این تعاملات، سنگ بنای بازسازی سرمایه اجتماعی یک محله فرسوده است، که از طریق اعتماد متقابل و شبکه‌های ارتباطی قوی تعریف می‌شود. همچنین افزایش حضور مردم در فضاها، به صورت خودکار امنیت محله را بالا می‌برد و از تبدیل شدن فضاها به مکان‌های متروکه و مستعد بزه‌کاری جلوگیری می‌کند. منظر جذاب، مردم را به حضور دعوت می‌کند و حضور مردم، امنیت را تضمین می‌کند. بنابراین احیای موفق، فضاهای مرده و حاشیه‌ای (مانند زمین‌های بایر، پشت بام‌ها) را به فضاهای عمومی جذاب تبدیل می‌کند. طراحی این فضاها به گونه‌ای که پذیرای فعالیت‌های متنوع (بازارهای محلی، جشنواره‌ها، تجمعات غیررسمی) باشد، بستر تعامل اجتماعی را فراهم می‌سازد[32].

۴-۵. منظر شهری تاریخی و افزایش حس تعلق و مشارکت

براساس نظریه لوفور، احیای منظر شهری، بر حق ساکنان در مشارکت فعال و بازتعریف فضاهای شهری تأکید می‌ورزد. این مشارکت، حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهد. حق به شهر فراتر از دسترسی فیزیکی به فضاهای شهری است و شامل حق هر شهروند در مشارکت در تولید فضا و بهره‌مندی از مزایای توسعه شهری می‌شود[33].

هنگامی که ساکنان شاهد سرمایه گذاری عمومی بر محیط زندگی خود هستند، حس ارزشمندی و اهمیت در آنها تقویت می شود. این امر منجر به افزایش تمایل به مشارکت در نگهداری و فعالیت‌های محلی می‌شود. طراحی منظر مشارکتی، که

در آن ساکنان در انتخاب مبلمان یا نوع کف‌سازی دخیل هستند، این حس مالکیت جمعی را به اوج می‌رساند. وقتی مردم احساس کنند فضا مال آنها است، در نگهداری آن کوشاتر خواهند بود. در زمینه احیای بافت‌های تاریخی، این مفهوم به معنای مشارکت واقعی و مؤثر ساکنان، کسبه و سایر ذی‌نفعان در کلیه مراحل برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای پروژه‌های احیاست. این مشارکت می‌تواند در قالب‌های مختلفی از جمله کارگاه‌های مشارکتی، جلسات مشورتی، نظرسنجی‌ها و تشکیل کمیته‌های محلی صورت پذیرد. مشارکت مؤثر نه تنها منجر به اتخاذ تصمیمات بهتر و عادلانه‌تر می‌شود، بلکه احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری ساکنان را نسبت به پروژه‌های احیا افزایش می‌دهد[34].

استفاده از فناوری‌های نوین، به عنوان ابزارهای قدرتمندی برای احیای مشارکتی منظر شهری و جمع‌آوری نظرات ساکنان، به کارگیری واقعیت افزوده برای بازسازی مجازی تاریخ محله و ایجاد نقشه‌های تعاملی، نه تنها دموکراسی شهری را تقویت می‌کند، بلکه به ویژه نسل جوان را به مشارکت در فرایند احیا ترغیب می‌نماید. این مشارکت دیجیتال، حس مالکیت جمعی و تعلق به مکان را عمیق‌تر می‌سازد[35].

۶-۴. منظر شهری تاریخی و توسعه اقتصاد خلاق

احیای منظر شهری، یک اقدام زیرساختی است که به طور غیرمستقیم، پایه‌های یک حیات اقتصادی جدید و پایدار را بنا می‌نهد. منابع جدید بر نقش اقتصاد خلاق (شامل هنر، طراحی، رسانه و فناوری‌های فرهنگی) به عنوان موتوری برای احیای اجتماعی- اقتصادی تأکید دارند. تبدیل کارگاه‌های فرسوده و خانه‌های تاریخی به استودیوهای هنری، فروشگاه‌های صنایع‌دستی و مراکز فرهنگی، همزمان هم اشتغال ایجاد کند و هم جذابیت بافت را برای گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی افزایش دهد و جریان جدیدی از مردم خلاق و بازدیدکنندگان را به بافت جذب می‌نماید و از مهاجرت معکوس استقبال کرده و بافت را از حالت موزه‌ای خارج می‌سازد[36].

یک منظر شهری جذاب و اصیل، بزرگترین عامل جذب گردشگر است. ساماندهی مسیرهای پیاده‌روی فرهنگی و ایجاد ایستگاه‌های استراحت با طراحی زیبا، تجربه گردشگران را ارتقا داده و زمینه را برای رونق کسب وکارهای کوچک و سنتی مرتبط با گردشگری فراهم می‌کند. کیفیت ادراکی منظر، به طور مستقیم با تمایل گردشگر به ماندن و هزینه کردن ارتباط دارد[37].

همچنین بهبود کیفیت منظر شهری، به طور مستقیم ارزش املاک و مستغلات را در آن بافت افزایش می‌دهد. این امر موجب بازگشت سرمایه و تمایل مالکان به سرمایه‌گذاری خصوصی در مرمت و بهسازی بناهای خود می‌شود. این چرخه مثبت، فرسودگی کالبدی را از طریق سرمایه‌گذاری خصوصی خنثی می‌سازد. احیای منظر شهری می‌تواند با تزریق کاربری‌های سازگار مانند کافه‌ها، گالری‌های هنری، صنایع دستی و اکوتوریسم در کالبد تاریخی، موجب تنوع‌بخشی اقتصادی شود. این فرایند، که گاهی اعیان‌سازی فرهنگی تعبیر می‌شود نیازمند مدیریت هوشمندانه و سیاست‌های تنظیمی است تا از جابجایی و به حاشیه رانده شدن ساکنان بومی جلوگیری به عمل آید[38].

۵. نتیجه‌گیری

منظر شهری، به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی شهروندان مطرح است که کیفیت آن به عوامل طبیعی و انسانی به ویژه عملکرد مدیران و سیاستگزاران شهری بستگی دارد. از آنجایی که فرسودگی بافت‌های تاریخی یک پدیده صرفا کالبدی نیست، بلکه بحرانی اجتماعی، اقتصادی و هویتی است، نقش احیای منظر شهری در این بافت‌ها، فراتر از زیبایی‌سازی است. این فرایند به عنوان کاتالیزور دگرگونی عمل می‌کند که با هدف قرار دادن واسط میان

کالبد و اجتماع، یعنی فضای عمومی، می‌تواند بافت‌های تاریخی را از حالت رکود کالبدی به وضعیت پویایی اجتماعی منتقل کند. منظر شهری تاریخی با کمک کردن در شناسایی عناصر پیچیده‌ای که شهرها را متمایز می‌سازد و حس مکان و هویت‌شان را خلق می‌کند، درک از محیط تاریخی را بیشتر می‌کند. درک شهرها به این طریق دانشی ارزنده را در جهت هدایت تصمیمات، برنامه‌ریزی و مدیریت تغییر فراهم می‌آورد.

احیای منظر شهری در بافت‌های تاریخی، یک راهبرد کل‌نگر است که گذار از فرسودگی کالبدی به پویایی اجتماعی را از طریق بازتعریف رابطه بین کالبد، انسان و فعالیت ممکن می‌سازد. این رویکرد با احیای حس مکان، زمینه را برای جذب سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌آورد. این فرایند، یک انتقال خطی و ساده نیست، بلکه یک دگرگونی کیفی است که نیازمند نگاهی سیستمیک و یکپارچه است. موفقیت این گذار، در گرو تغییر نگرش حرکت از حفاظت از بنا به احیای منظر فرهنگی به عنوان یک کل زنده، تمرکز بر فضاهای عمومی و طراحی کیفی فضاهای عمومی چندعملکردی، توانمندسازی اقتصادی از طریق تزریق اقتصاد خلاق با رویکرد محافظتی برای ساکنان بومی و به کارگیری ابزارهایی جهت مشارکت ساکنان بافت در فرآیند احیا عملیاتی خواهد شد. به عبارتی احیای موفق منظر شهری در بافت‌های تاریخی نیازمند توجه همزمان به ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. رویکرد یکپارچه‌نگر منظر شهری می‌تواند با ایجاد پیوند بین این ابعاد، گذار از فرسودگی کالبدی به پویایی اجتماعی را ممکن سازد.

در پایان باید تأکید کرد که احیای منظر شهری در بافت‌های تاریخی باید به عنوان یک فرایند پویا و مستمر درنظر گرفته شود و برنامه‌ریزان، مدیران شهری و طراحان، باید فرایند احیا را به گونه‌ای پیش ببرند که پویایی اجتماعی نه به عنوان یک محصول جانبی، بلکه به عنوان هدف اصلی و از پیش تعریف‌شده در تمام مراحل پروژه قلمداد شود و با ایجاد سازوکارهای مدیریتی بتوانند ابعاد کالبدی (شهرداری،) فرهنگی (میراث فرهنگی) و اجتماعی (سازمان‌های مردم نهاد) را در یک برنامه واحد منظر شهری یکپارچه سازند. مدیریت منظر باید مستمر و منعطف باشد، نه یک مداخله مقطعی. تنها در این صورت است که می‌توان امید داشت بافت‌های تاریخی شهرها، نه به عنوان جزایر منجمد در زمان، بلکه به عنوان کانون‌های زنده، پویا و معنادار زندگی شهری در آینده نیز تپش داشته باشند.

۶. مراجع

۱. پیرنیا، م،ک. (۱۳۸۰)، "*آشنایی با معماری اسلامی ایران: ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری*،" تهران: انتشارات سروش دانش.

2. Pendlebury, J. (۲۰۱۳), "*Conservation values, the authorised heritage discourse and the conservation-planning assemblage*," International Journal of Heritage Studies, ۱۹(۷), pp. ۷۰۹-۷۲۷.

3. Cullen, G. (1961), "*The Concise Townscape*", London: The Architectural Press.

4. Taylor, K. and Lennon, J. (Eds.), (۲۰۱۹), "*Managing Cultural Landscapes*," (۲nd ed.). Routledge.

5. Norberg-Schulz, C. (1975), "*Meaning in Western Architecture*", New York: Praeger Publishers.

٦. پاکزاد، ج. (۱۳۹۰)، "*مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری*،" انتشارات شهیدی.

7. Hegel, G. W. F. (1807), "*Phänomenologie des Geistes*," Bamberg: Joseph Anton Goebhardt.

8. Coleman, James S. (1990), "*Foundations of Social Theory*," Cambridge, MA: The Belknap Press of Harvard University Press.

۹. خیرالدین، ر. و ایمانی، ج. و فروهر، ا.(۱۳۹۲)، "*تحلیل پیامدهای فضایی اقدامات مدیریت شهری در بافت‌های قدیم و جدید کلانشهر تبریز*،" فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، شماره۱، ۹۳-۱۰۹.

۱۰. احمدپور، ا. و فرهودی، ر. و زنگنه شهرکی، س. و شفاعت قراملکی، ط.(۱۴۰۰)، "*ارزیابی قابلیت‌های گردشگری بافت‌های تاریخی در جهت بازآفرینی شهری (مطالعه موردی: شهر تبریز)*،" مطالعات مدیریت گردشگری،سال۱۶، شماره۵۳، ۲۰۱-۲۳۲.

۱۱. شهاب زاده، م.(۱۳۹۵)، "*تجدید حیات در بافت‌های تاریخی از طریق راهبرد اصالت بخشی(نمونه موردی بافت تاریخی شیراز)*،" معماری اقلیم گرم و خشک، شماره۴، ۶۵-۷۹.

۱۲. حبیبی، س. م. و مشکینی، ا. (۱۳۸۶)، "*بافت‌های فرسوده شهری: تعاریف، نظریات و تجارب*،" تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

۱۳. لینچ، ک. (۱۳۹۵)، "*سیمای شهر*،" ترجمه منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.

14. Taylor, K. (۲۰۱٦), *"The Historic Urban Landscape Paradigm and Cities as Cultural Landscapes: Challenging Orthodoxy in Urban Conservation,"* Landscape Research, ٤١(٤), pp. ٤٧١-٤٨٠.

۱۵. حبیبی، س. م. و محسنی، م. (۱۳۹۱)، "*احیای بافت‌های تاریخی با تأکید بر مشارکت اجتماعی ساکنان (مورد مطالعه: بافت تاریخی شهر شیراز)*،" هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۷(۳)، ۱۵-۲۶.

16. Madanipour, A. (۲۰۱۷), "*Cities in Time: Temporary Urbanism and the Future of the City,"* Bloomsbury Publishing.

۱۷. حبیبی، س. م. و پورجعفر، م.ر. و و انصاری، م. (۱۳۹۶)، "*تحلیل رویکرد منظر شهری تاریخی در بازآفرینی بافت تاریخی محله عودلاجان تهران*،" فصلنامه معماری و شهرسازی،۱۹(۱۰)، ۵-۲۱.

18. Bandarin, F. and Van Oers, R. (2012), *"The Historic Urban Landscape: Managing Heritage in an Urban Century,"* Wiley-Blackwell.

19. Van Oers, R. (۲۰۱۰), "*Managing Cities and the Historic Urban Landscape Initiative – an Introduction,"* in R. van Oers & S. Haraguchi (Eds.), Managing Historic Cities, UNESCO World Heritage Centre, pp. ۷-۱۷.

۲۰. فلامکی، م.م. (۱۳۹۴)، "*باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*،" تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۱. گیزارلی، م. (۲۰۱۹)، "*حفاظت از میراث و توسعه پایدار: مورد مناظر تاریخی شهری*،" مجله مدیریت میراث فرهنگی و توسعه پایدار، ۹(۲)، ۱۲۳-۱۴۵.

22. Bandarin, F. and Van Oers, R. (2005), "*World heritage and contemporary architecture: Setting standards for management of the historic urban landscape*," World Heritage Review, (41), pp. 52-55. UNESCO and Ediciones San Marcos.

۲۳. علویان صدر، م. ایزدی، م.س. و شهابیان، پ. و طالبیان، م.ح. (۱۴۰۳)، "*چارچوب سازماندهی و مدیریت منظر شهری تاریخی(مورد پژوهشی شهر مشهد)*،" ۴۵(۱۰۵)،۸۵-۱۱۸.

24. UNESCO World Heritage Centre. (2011), "*Recommendation on the historic urban landscape*," Adopted by: The General Conference at its 36th Session, Paris, 10 November 2011, ART.21, 24b.

۲۵. مدنی‌پور، ع. (۱۳۸۴)، "*طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی-مکانی*،" ترجمه فرهاد مرادی،تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

۲۶. رضوانی، م.ص. و حاجی‌پور، خ. (۱۴۰۰)، "*تبیین راهبردهای احیای بافت‌های تاریخی بر اساس رویکرد تاب‌آوری اجتماعی (مطالعه موردی: بافت تاریخی شیراز)*،" مطالعات شهری ایران،۱۰(۳۸)، ۷۵-۹۰.

27. Aelbrecht, P. and Stevens, Q. (Eds.), (۲۰۱۹), "*Public Space Design and Social Cohesion: an International Comparison*," Routledge.

۲۸. بادآهنگ، ا. و کلانتری خلیل آباد، ح. و زیاری، ک. (۱۴۰۴)، *"تبیین منظر در بافت تاریخی شهرها در ابعاد زیباشناختی، حس مکان و کارکردی (مطالعه موردی؛محله سنگ سیاه شهر شیراز)،"* فصلنامه برنامه ریزی و توسعه محیط شهری،۵(۱۷). ۱۳-۲۶.

۲۹. مقدم، ح. (۱۳۸۶)، *"سیمای شهر و هویت مکان،"* مجله معماری و شهرسازی، ۱۵(۳)، ۴۵-۶۰.

۳۰. زنگنه، ع.(۱۳۹۲)، *"نقش کیفیت‌های بصری در فضاهای شهری،"* انتشارات دانشگاه هنر.

۳۱. پوراحمد، اح. و حبیبی، ک. و صلاحی، ع. (۱۳۹۹)، *"سنجش کیفیت فضاهای عمومی در بافت تاریخی شهر تبریز،"* مطالعات شهری، ۹(۳۵)، ۲۵-۴۰.

32. Gehl, J. (۲۰۱۱), "*Life Between Buildings: Using Public Space*," Island Press, Washington.

۳۳. عینی فر، ع.ر. و پورجعفر، م.ر. (۱۳۹۸)، *"احیای منظر فرهنگی-تاریخی با رویکرد توسعه پایدار گردشگری،"* هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۴(۱)، ۵-۱۶.

34. Norberg-Schulz, C. (۱۹۸۰), "*Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*," Rizzoli, New York.

35. de Waal, M. and de Lange, M. (۲۰۱۹) , "*The Hackable City: Exploring the City as a Digital Platform for Collaborative Urban Making*," The Hackable City, Singapore: Springer, (pp. ۱-۲۱).

36. Grodach, C. (۲۰۱۷), "*Urban cultural policy and creative city making*," Cities, 68, pp. 1-8

۳۷. پوراحمد، ا. (۱۳۹۵)، *"بازآفرینی شهری با رویکرد توسعه پایدار،"* انتشارات دانشگاه تهران.

۳۸. قریب، ف. و برومند، ش. (۱۳۹۷)، *" کاربست اقتصاد خلاق در احیای بافت‌های فرسوده تاریخی،"* باغ نظر، ۱۵(۶۱)، ۱۷-۳۰.

.